



سبک‌شناسی نسخه خطی ضوابط عظیمیه در تطبیق با

سبک نوشتاری کتیبه‌های فارسی حجاری‌های هند**

طیبه میرزاآقایی^۱، عبدالرضا مدرس‌زاده^۲، فرشته جعفری^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران t.mirzaaghaee@iaukashan.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران A. Modarres @iaukashan.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران jafari@iau-naragh.ac.ir

چکیده

«ضوابط عظیمیه» به سال ۱۱۳۰ (قرن دوازدهم ه.ق)، در فن لغت و بلاغت و دستور زبان، به دست محمدعظیم قریشی تألیف شده است. موضوع این اثر «زبان پارسی در منطقه شبه‌قاره» است. این نسخه در ۴۱۴ صفحه با حاشیه‌نویسی و هامش‌نویسی نوشته شده است. نکات و خصائص این نسخه خطی از قبیل رسم‌الخط نسخه، خصوصیات آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی این اثر مستخرج و با تفصیل و توضیح نشان داده شده‌اند. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای به صورت سندپژوهی و روش داده‌کاوی تحلیل محتواست. در سطح آوا و واژگان آوردن کلمات به شکل و کاربردی خاص از شگردهای این مؤلف بوده است. این متن از برخی ویژگی‌های نحوی عربی نیز بهره برده است که در زبان فارسی امروز کاربرد کم‌تر و مختصرتری دارند. آرایه‌های ادبی در این متن سبک و کم‌تکرار بوده‌اند و در عوض آوردن شعر و مثل پرسامد فراوان است. آوردن حروف ابجد و توجه به علم‌الاعداد نیز از ویژگی‌های برجسته این کتاب به‌شمار می‌رود. با بررسی و تصحیح این اثر به این نتیجه رسیدیم که زبان پارسی و گسترش و آموزش آن در دوره حکومت گورکانیان در هندوستان دغدغه ادیبان و حکمرانان محسوب می‌شده و نگارش این کتاب و کتب مشابه و تهیه نسخه‌های خطی بعدی از روی آن ضرورت این تعلیمی است تا حد امکان سهولت فهم در آن رعایت شده است. در کتیبه‌های فارسی هندی نیز می‌توان سادگی و روانی بلاغی را مشاهده کرد.

اهداف پژوهش:

۱. معرفی یک نسخه خطی جدید در حوزه بلاغت و لغت و فنون ادبی دیگر در زبان فارسی حوزه شبه‌قاره.
۲. بررسی و شرح ویژگی‌های سبکی نسخه خطی ضوابط عظیمیه.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا در حوزه شبه‌قاره آنقدر زبان فارسی گسترش داشته است که زمینه‌ساز نگارش اثری فارسی و سلیس و روان در زمینه بلاغت و لغت و فنون ادبی شود؟
۲. با توجه به وجود نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» از محمدعظیم قریشی در قرن دوازدهم در شبه‌قاره، این متن دربردارنده کدام فنون ادبی است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۷۴۳ الی ۷۵۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

ضوابط عظیمیه، محمدعظیم قریشی، ویژگی‌های سبکی، بلاغت، شبه‌قاره.

ارجاع به این مقاله

میرزا آقایی، طیبه، مدرس‌زاده، عبدالرضا، جعفری، فرشته، (۱۴۰۲). سبک‌شناسی نسخه خطی ضوابط عظیمیه در تطبیق با سبک نوشتاری کتیبه‌های فارسی حجاری‌های هند. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۷۴۳-۷۵۶.



dor.net/dor/20.1001.1.1.1۷۳۵۷۰۸.۱۴۰۲.۰۴۹.۳۸.۷



dx.doi.org/10.22034/IAS.20.22.319340.1816

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری "طیبه میرزاآقایی" با عنوان "معرفی و تصحیح نسخه خطی ضوابط عظیمیه" است که به راهنمایی دکتر "عبدالرضا مدرس‌زاده" و مشاوره دکتر "فرشته جعفری" در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه "زاد" واحد "کاشان" ارائه شده است.

مقدمه

با آنکه قرن یازدهم و دوازدهم هجری برای ادب و ادبیات فارسی دوران افول به‌نظر می‌رسد اما در قلمرو هندوستان و به همت حکمرانان و دانشوران علاقه‌مند به زبان و ادب پارسی این گسترش قبل از سیطره و توسعه استعمار انگلستان رو به افزونی بود و این دوره را می‌توان یکی از بهترین دوره‌های رواج و روایی زبان پارسی در شبه‌قاره و به‌طور کلی قاره آسیا دانست. با این وجود، تعداد آثاری که از آن خطه به کتابخانه‌های ایران راه‌یافته‌اند حتی در حوزه ادبیات فارسی محدود و انگشت‌شمار است. برای فارسی‌زبانان ساکن ایران ضرورت دارد که با این نسخه‌ها و دست‌نویس‌های دیگری به زبان فارسی آشنا شوند، خصوصاً کتاب‌هایی که منحصرأ در زبان، لغت و صنایع ادبی این زبان نگاشته شده‌اند. نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» از محمدعظیم قریشی از لغویان قرن دوازدهم هجری حوزه شبه‌قاره (۱۱۳۰ ه.ق) است. این نسخه که ۴۱۴ صفحه دارد و به زبان فارسی و با خطی خوش‌خوان نگاشته شده، در حوزه علم بلاغت، لغت‌شناسی، دستور زبان و عروض و قافیه به نگارش درآمده است. ضوابط عظیمیه که تاکنون به تصحیح درنیامده، از متون مهم در حوزه بلاغت در شبه‌قاره به‌شمار می‌رود و از آن در حال حاضر سه نسخه وجود دارد که تصویر دو نسخه در دسترس نگارنده قرار گرفته است.

این پژوهش بر آن است تا یک نسخه ادبی و بلاغی از دوره مذکور را به ادبیات فارسی و فارسی‌زبانان معرفی کند. بنابراین پیش از نگارش پژوهش به تصحیح و پانوش‌نگاری متن به شیوه‌ای منقح و پاکیزه پرداخته شده است و از خلال مطابقت دو نسخه خطی موجود و در دسترس که تقریباً آشفته بودند، متنی نسبتاً روان، قابل‌فهم و به شکل امروزی آن تهیه شد. سپس خصوصیات و ویژگی‌های خاص این کتاب استخراج شد و چکیده و نتیجه و خلاصه این بررسی در این پژوهش به نظر خوانندگان محترم می‌رسد. مواردی که در این مقاله بر آن‌ها تأکید شده است خصوصیات متمایز آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی این اثر بوده است. این نسخه پیش از این در ایران تصحیح نشده و اهمیت آن در این است که بر نسخه‌های بلاغی مفصلی مثل «قوانین دستگیری» مقدم بوده و به‌گونه‌ای آغازگر این‌گونه متون به‌شمار می‌آید.

متون فارسی و نیز آثار عربی علمای ایران در طول بیش از هزار سال در شبه‌قاره رواج گسترده داشته‌اند و به‌تبع آن پیشینه تحقیق و تصحیح متون و آثار مزبور نیز در آن سرزمین از صدها سال فراتر می‌رود. شبه‌قاره به دلایل گوناگون از جمله آشنایی تاریخی و زبانی، نسبت به نقاط دیگر برای ما آشناتر است. همین وضع به نسبت کم‌تری در جنوب شرقی آسیا مشهود است؛ چنان‌که دیرینگی و پایداری زبان فارسی آثار بسیاری در آن برجا گذاشته است. وجود نسخه‌های خطی فراوان به زبان فارسی، نشان‌دهنده اهمیت این زبان در خطه‌ایست که در یک دوره هزارساله، مخصوصاً در دوره گورکانیان هند، ابزار مبادلات فکری و هنری بشری در آن دیار بوده است. وجود انواع دستور زبان فارسی و کتاب‌های مربوط به آیین دبیری نشان می‌دهد کسی که می‌خواسته در دستگاه گورکانیان به دبیری بپردازد.

البته نه به معنای امروزی معلمی، بلکه در معنای منشی‌گری سلاطین و امرا - ناچار بوده که زبان فارسی را بیاموزد و نیز بیاموزاند.

این اثر یکی از متون حوزه بلاغت و ادبیات است که در شبه‌قاره تدوین شده و تا به حال تصحیح و منتشر نشده است. باتوجه به ضرورت شناخت آثار به‌جامانده در زمینه فنون ادبی که در حوزه کاربردی زبان فارسی پدید آمده، تصحیح متن و احیای این نسخه خطی و بررسی و سبک‌شناسی و انتشار آن ضروری به نظر می‌رسد.

این نسخه تاکنون تصحیح و سبک‌شناسی نشده است و برای نخستین بار بدان پرداخته می‌شود. در زمینه مورد پژوهش نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» که درباره معانی و بیان و لغت و بلاغت و فنون ادبی در شبه‌قاره است، در این منطقه کتاب دیگری موجود نیست و نسخه فوق‌الذکر تنها نسخه خطی تخصصی در این زمینه است؛ بنابراین می‌توان گفت در این باره پیشینه‌ای موجود نیست. روش این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای به صورت سندپژوهی و روش داده‌کاوی تحلیل محتواست. به این صورت که متن تصحیح‌شده نسخه خطی ضوابط عظیمیه را، که خود بر مبنای شیوه تصحیح بینابینی است، براساس مبانی سبک‌شناسی بررسی کرده، به تحلیل ویژگی‌های سبکی آن پرداخته‌ایم؛ بدین طریق که رسم‌الخط نسخه، خصوصیات آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی این اثر مستخرج گشته است. این موارد در این مقاله با تفصیل و توضیح نشان داده شده‌اند.

۱. معرفی نسخه‌ها

نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» از آثار ارزشمند به‌جامانده از قرن دوازدهم هجری، یعنی دوره تسلط گورکانیان هند است. این اثر مجموعه‌ای از فرهنگ لغات عصر، اصطلاحات ادبی و نقد است و گوشه‌هایی خاص از علم لغت‌شناسی و کلمه‌شناسی پارسی و ارتباطات فرهنگی ایرانیان و هندیان در عصر گورکانیان هند را برای مخاطب آشکار می‌کند و یکی از علل اهمیت آن در این است که این کتاب به زبان پارسی و در زمانی نگاشته شده که زبان رسمی و دیوانی هند پارسی بوده است. کتابخانه‌های حوزه شبه‌قاره از قرن دهم به بعد یکی از ذخایر نسخه‌های خطی پارسی قلمداد شده است.

این اثر در سال ۱۰۹۶ شمسی و ۱۱۳۰ قمری نگاشته شده است. باتوجه به اینکه نسخه مورد بررسی ما تاریخ ۱۱۳۸ را بر خود دارد، نزدیک‌ترین نسخه شناخته‌شده به زمان مؤلف به حساب می‌آید و چه بسا کتابت آن به دست خود مؤلف انجام پذیرفته باشد. این مجموعه کمیاب اثر شخصی به نام «محمدعظیم قریشی» است که از زندگی‌نامه او چندان اطلاعی در دست نیست. نسخه‌های موجود از این اثر خطی یکی در مرکز میکروفیلم نور، کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی‌نو و دو نسخه در پاکستان، کراچی، مجموعه همدرد و اسلام‌آباد، مجموعه گنج‌بخش با شماره ۷۸۷۲ ثبت است. این کتاب در راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، جلد ۱۳، صفحه ۲۷۱۰، در ذیل مجموعه‌های دانش‌های بلاغی، لغت، عروض و قافیه و قواعد ادبی آمده است. نسخه اساس این تصحیح نسخه

کتابت‌شده به سال ۱۲۳۸ ق است که ظاهراً نزدیک‌ترین نسخه کتابت‌شده به عهد مؤلف است و نسخه مقابله این تصحیح، نسخه اسلام‌آباد، گنج‌بخش به تاریخ کتابت ۱۲۳۹ ق، است.

دیباچه کتاب به نثر فنی آمیخته به شعر نگاشته شده است و مؤلف پس از حمد پروردگار به نعت رسول (ص) می‌پردازد و کتاب را این‌چنین آغاز می‌کند: «حمدیتی که با احصای آن خرد بالغ رشد بعجز معترف گردد و شگری که فوق طاقت اندیشه معجز پیشه باشد مر صانعی را سزد که چندین صور رنگارنگ و اشکال گوناگون بر الواح مسدس مرتسم گردانیده کلک صنع اوست و از عالم ناسوت تا ملکوت موظف به وظایف نیاز او، مقدری که به قدرت مطلق چون بامر کن بپرداخت در ساعت عالمی از کتم عدم سر به عرصه وجود برافراخت اگر از ازل تا ابد به شکرش دم زخم، حرفی از آن کتاب و پرتوی از آن آفتاب نه دریافته باشم. آری حرف توحید آن یگلنه بر زبان آوردن باد به مشمت پیمودن است. پس همان بهتر که کام ناکام از آن وادی لانتها بازآمده در نعت سیدالمرسلین خاتم‌النبین درآمده، طوطی طبع را به شکر تعریف و توصیف صاحب لولاک حلاوتی رسانم، یعنی آن حضرت رسالت علیه‌السلام اگر دلیل ما گم‌گشتگان نبود، از تیه ضلالت و غوایت که برآوردی و بسا لذایذ روحانی که از نعمتهای قرب سبحانی به او رسیده به ما بی‌کسان که رسانیدی، شق القمر معجزه از معجزات اوست و فراخی دعوت تنگ؟ کراماتی از کرامات اوست. بیت: پی دیوار ایمان بود کارش / ولی شد چار روی از چار یارش».

پس از آن نگارنده به سبب نگارش کتاب دست زده و به کتبی اشاره کرده که در نوشتن از آنان بهره و فایده برده است: «بعد هذا مخفی نماند که بعضی از دوستان یکرنگ از قواعد فارسی بهره می‌جستند و بدون مطالعه کتاب‌های بسیار و سیر دراز حصول مرام محال متعذر می‌نمود. خصوصاً دانای رموز نهانی و مجموعه خوبی و قدردانی، میرمحمدحسین همدانی که با وجود کسب کمال فارسی و تحصیل علم عربی همیشه جویای این می‌بود که قواعد فارسی را بالکل به ضبط درآرد و کلّ امر مرهون باوقاته. وقتی به آن کس که به سیغه معلمی پسرش به حسب اتفاقات قسمت سالی چند مقرر بود، تکلیف در میان آورد که رساله ضوابط فارسی محتوی بر قواعد کلیه ضروریه و بعضی صنعت‌های شعر که مبتدیان را فایده بخشد، مرتب می‌باید ساخت، لهذا مستمند حضرت کریم محمدعظیم قریشی، اما وی به موجب فرمایش میر مذکور که باعث تألیف این رساله است. و در فهرست کتب مورد استفاده از کتاب‌های ذیل فرهنگ رشیدی تصنیف رشیدالدین و تاج‌المصادر و کشف‌اللغات و کشف‌المعانی و کنز‌اللغات و مدارالافاضل و حل‌اللغات و مهذب‌الأسماء و اجمال‌الحسنی و اصطلاحات‌الشعرا و فرهنگ سروری و ادات‌الفضلا و لوامع‌النجوم و اصطلاح شایگان و مهذب‌الافاضل و شمس‌العلوم و فرهنگ مولانای فخر قواس و تهذیب‌المصادر و فرهنگ علمی و فرهنگ سکندری و عجایب‌البلدان، ...، قاموس و فرهنگ اسدی طوسی و فرهنگ شمس دبیر و مؤیدالافاضل و مؤیدالفواید و دستورالافاضل و فرهنگ ابوالمنصور و فرهنگ استادعبدالله و رساله تحفه‌الاحباب و فرهنگ جامع‌اللغات و فرهنگ حسین وفائی و فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهایی و رساله شیخ محمود و فرهنگ عاصمی و رساله علی‌بیک و فرهنگ فواید برهانی و رساله قاضی ظهیرالدین و رساله محمدبن قیس و فرهنگ مولانای اللهداد سپهرندی و رساله منصور شیرازی و فرهنگ میرزاابراهیم بن میرزااحسین اصفهانی و انیس‌الشعرا و شبستان نکات تألیف مناجاتی

شیرازی و رساله دیگر که نام مصنف بنظر نه‌آمده و انتخاب نموده در یکجا فراهم آورد و هر قاعده را به‌طریق مناسب به محلّ خود و بر هفت مقدمه، فصل مقرر ساخته، در سال سنه ۱۱۳۸ هجری یک‌هزار و یکصدوسی‌وهشت هجری، مطابق سن، هشت از جلوس میمنت مأنوس محمدشاه باو شاه‌غازی خلدالله ملکه و سلطنته نسخهٔ علحده ترتیب داد. چون از نسخه‌های دیگر دوچند فراهم آمده بود، بنابراین به ضوابط عظیمیه موسوم گشت. امید از مطالعه‌کنندگان این نسخه آن است که چون از مطالعه و ملاحظه، خوشی خاطر و تشفی باطن حاصل آید، مؤلف رساله را و آنکه باعث تألیف بر این شده، به ذکر خیر یاد فرمایند که این هر دو را بجز یادگاری توقع مزد و منت نیست».

سپس نگارنده دربارهٔ ترتیب فصول کتاب و سال نگارش کتاب و پادشاه زمان خویش سخن گفته است: «هر قاعده را به‌طریق مناسب به محل خود بر هفت مقدمه فصل مقرر ساخته و در سال سنه ۱۱۳۸ هجری یک‌هزارویکصدوسی‌وهشت هجری مطابق سنه هشت از جلوس میمنت مأنوس محمدشاه پادشاه غازی خلدالله ملکه و سلطنته نسخهٔ علیحده ترتیب داد. چون از نسخه‌های دیگر دوچند فراهم آمده بود، بنابراین به ضوابط عظیمیه موسوم گشت». و سپس وارد متن اصلی شده است: «مقدمهٔ اول در تعداد حروف تهجی از مفردات و مرکبات...»

محمدعظیم قریشی این کتاب را به خواهش میرمحمدحسین همدانی و در باب «قواعد کلیهٔ ضروریه و بعضی صنعت‌های شعر که مبتدیان را فایده بخشد» به نگارش درآورده است. به‌نظر می‌رسد منظور وی از قواعد کلیهٔ ضروریه، باتوجه‌به نام کتاب (ضوابط عظیمیه) و نیز منابعی که در آغاز کتاب ذکر کرده و در بالا آمد، لغت (زبان‌شناسی) و قواعد دستور زبان و نگارش فارسی و فنون بلاغت و صناعات ادبی و قافیه و عروض است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این کتاب نویسنده حدود ۶۰ منبع تخصصی پیرامون موضوع را مطالعه کرده و درواقع کتاب وی جامع منابع گذشتگان خود است. در دیباچه تاریخ نگارش کتاب یک‌هزارویکصدوسی‌وهشت، برابر پادشاهی محمدشاه آمده. نویسنده این کتاب را به نام ضوابط عظیمیه (نه اعظم) در چندین فصل (در تعداد حروف تهجی نزد علمای عرب و عجم، اقسام کلمه، قواعد کلمه و فواید جلیله در ۵۳ قاعده که دستور زبان فارسی است و ...) نوشته است. فصل‌های این نسخه به این قرار است: فصل در بیان حاجت به علم عروض، فصل در بیان اجزاء و میزان، فصل در بیان ارکان اصلی و عارضی بحور، فصل در بیان قوافی، فصل در بیان انواع شعر، فصل در بیان صنایع شعری، دقیق سخنوری. فصل در مهمات.

۲. بررسی سبک‌شناسی ضوابط و کتیبه‌های فارسی هند

بررسی سطح زبانی، آوایی و واژگانی (اختصاصات رسم‌الخطی نسخه):

۱. در متن نسخه گاه به‌جای چ فارسی ج و به‌جای پ فارسی ب و به‌جای جیم ژ آمده است؛ مانند: طبانچه / طپانچه، پجشک، روح (پانوشت ص ۳۲ نسخه. نسخه بدل):

«الهاء شخصی طبانچه بر روی زند» (ص ۵۵ نسخه).

«... به جیم تازی بدل شود، چون کاژ و کاج، لاژورد و لاجورد، ژولیده و جولیده، جامی گوید: موی بجولیده و رخ گردناک / سینه خراشیده و دل دردناک» (ص ۳۶ نسخه بدل).

۲. حرف «گ» از حروف فارسی در هر دو نسخه در اکثر موارد رعایت نشده و صورت تعریب‌شده آن یعنی به صورت «ک» نوشته شده است. مانند گردد، رنگارنگ، گوناگون و گردانیده در عبارت زیر: «حمدیتی که باحصای آن خرد بالغ رشد به عجز معترف گردد و شکری که فوق طاقت اندیشه معجز پیشه باشد مر صانعی را سزد که چندین صور رنگارنگ و اشکال کوناگون بر الواح مسدس مرتسم گردانیده کلک صنع اوست».

۳. کاربرد «بنابران» به جای «بنابراین»؛ مانند: «بنابران به ضوابط عظیمیه موسوم گشت (ص ۱ نسخه)».

«مسروری بنابران می‌گویند (همان‌جا)».

۴. «آن»، «ان» (بدون مدّ)، «دران»، «آنکه»، «آنان» و کلماتی از این قبیل در متن در اکثر موارد به صورت سرهم بدون مدّ نوشته شده‌اند. در چنین مواردی سعی شده جاهایی که مدّ (ّ) روی الف درج نشده، ولی کلمه بتنهایی و بی‌همراهی حرف اضافه یا حرف ربط آمده باشد، مدّ آن آورده شود. مانند: «آن». همچنین بیشتر کلمات دارای مدّ بدون مدّ آمده است که در تصحیح مدّ آورده شده، مانند: «آزار / آزار»: «قوامی گوید بیت: عدلت آفاق شسته از آفات / طبعت آزاد بود از آزار» (ص ۹۹ نسخه). آسمان / آسمان: «تکلم ملایک آسمان چهارم است» (ص ۶ نسخه).

۵. همزه «است» گاهی حذف شده و گاهی قید شده. مانند: «صنعت تجنیس آنست که دو لفظ...» (ص ۹۸ نسخه).

۶. «های غیر ملفوظ» در اتصال به «های جمع» گاه حذف شده. مانند:

«سیوم: هایی که تخصیص افاده معنی حرکت دهد و فایده دیگر متصور نیست، چون مروارید سفته و غنچه شکفته‌هایی که برای بیان فتح آخر کلمه آرند و این در معنی هیچ دخل ندارد، چون جامه و خامه. این هاءات غیرملفوظ درحالت جمع از کتابت ساقط شود، چون جامها و خامها و بندها و شکوفها (ص ۴۸ نسخه خطی)».

۷. چسبیدن حرف اضافه «به» به کلمه بعد خود، بدون «های غیر ملفوظ»، مانند: «بنظر» و «بطرق» که در تصحیح با نیم‌فاصله آمده است: «رساله دیگر که نام مصنف به نظر نه آمده، انتخاب نموده در یک‌جا فراهم آورد و هر قاعده را به‌طریق مناسب به‌محل خود بر هفت مقدمه فصل مقرر ساخته» (ص ۴ نسخه).

۸. حذف نقطه برخی از حروف کلمات بسیار در دو نسخه دیده می‌شود؛ مانند «ن» و «چ» دوم در واژه چنانچه: «چنانچه در کلام فارسی هشت حرف که سابق مذکور شد نیاید» (ص ۶ نسخه).

۹. چسباندن می استمراری به فعل؛ در تصحیح در رسم‌الخط فعلها جدانویسی رعایت شده است:

«ماقبل این یای مکسور مییباشد و در کلام عرب مشدد مییباشد (ص ۵۰ نسخه خطی)».

۱۰. کلماتی مانند «مبدأ»، «مؤید»، «مؤلف»، «مؤنث» و... به صورت «مبدأ»، «مؤید»، «مؤلف» و «مؤنث» آمده است؛ مانند:

«بیت اول قصیده و غزل را مطلع مبدا گویند و بیت ثانی را زیب مطلع و حسن مطلع» (ص ۹۰ نسخه).

«یاء دانی مؤید نسخه اول است» (ص ۳۸ نسخه).

«گاهی جمع هم چنانچه مؤلف در تکملة قصاید عرفی گفته» (ص ۷۸ نسخه).

«بدین نمط که شش صیغه مؤنث غایب و حاضر بالتمام ترک دادند در فارسی» (ص ۷۹ نسخه).

۱۱. آوردن اعداد مرکب با تلفظ مرسوم اردو: مثلاً دو صد به جای دویست، سه صد به جای سیصد، هفتدهم بجای هفدهم.

۱۲. تالی منقوط و تالی تخت کتلت در این مورد به هر دو شیوه وجود دارد، چنانچه در این مقال مثنیات به هر دو شکل آمده است: «چنانچه صاد و ضاد و غیرمنقوط را معجمه و غیرمنقوط را مهمله گویند، از با و تا و تا اول را موحد و ثانی را مثناء فوقانیه و ثلث را مثلثه خوانند و تا را به جهت تفرق از تالی مثنیات تحتانیه نامند (ص ۸ نسخه خطی)».

۱۳. در برخی موارد که کلمات مختوم به «یاء» با کلمه دیگری پیوند داده شده است، معمولاً از سه «یاء» به هم چسبیده استفاده کرده اند که در همه نسخه ها این نوع رسم الخط دیده می شود. در این مورد به تبعیت از نسخ و طبق رسم الخط آن ها واژه ثبت شده است. مانند: «وامر و نواهی خدایی: خدایی»، توانایی، روشنایی، دریایی، روانی، نوایی.

۱۴. در مواردی که «ه» در آخر واژه ای جزو ساختار اصلی واژه است، وقتی به «های» جمع می پیوندد، این «ه» حذف شده است. مانند: دیده های: دیده های.

۱۵. حرف «را» چسبیده به کلمه قبل، غیر از مواردی که در شعر کاربرد داشته، در باقی موارد جدا نوشته شده اند. مانند: «آترا: آن را»، «گوهریرا: گوهری را».

۱۶. ذکر «ی» به جای همزه، مانند: ملایک به جای ملائک، زاید به جای زائد، طایر به جای طائر، صایب به جای صائب

۱۷. استفاده از زبان ساده، افعال قدیمی فارسی و نوادر لغات فارسی و آوردن صورت کهن واژگان چون: اسپهبان، زاولی، اشکم، اشتلم.

۱۸. آوردن کلمات فارسی به جای عربی، مثلاً تازی به جای عربی، و بالعکس عربی به جای فارسی، مثلاً مع به جای و: «خدایی مع یای مرکب به معنی صاحب...».

۱۹. آوردن ف به جای و: فامّا به جای: واما.

۲۰. به‌کاربردن واژه‌های هندی و اردو، مثال: کهری، لنکهنت، لنکهن، بانی (صفحات ۷۶ و ۷۷ نسخه)، «چلیدن به‌معنی رفتن امیرخسرو دهلوی فرماید؛ بیت: از جل جل تو پای من زار شد کچل/ما خود نمی‌چلیم تو اگر میچلی بچل (ص ۸۴ نسخه)».

شاماکچه و شاماختچه بمعنی سینه‌بند زنان و جامه کوچک مردان
 ریسمانی که از انگور و جز آن آویزند و به هندیش «چهیکه» گویند.

۳. مختصات نحوی

۱. آوردن مَر قبل از مفعول و رای نشانه مفعولی: «مَر صانعی را سزد».

۲. حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی: «اشکال گوناگون بر الواح مسدس مرتسم گردانیده کلک صنع اوست و از عالم ناسوت تا ملکوت موظف به وظایف نیاز او»

۳. آوردن فعل در میانه و ابتدای جمله به‌جای انتهای جمله: «بما بیکسان که رسانیدی شق القمر معجزه از معجزات اوست و فراخی دعوت؟ (پیامبر امّی) کراماتی از کرامات اوست...».

۴. آوردن می استمرار بر سر فعل بود و باید: «همیشه جویای این می‌بود که / مرتب می‌باید ساخت».

۵. آوردن افعال منفی به‌صورت حرف منفی‌ساز + فعل: نه‌آمده: به‌جای نیامده: «رساله دیگر که نام مصنف به‌نظر نه‌آمده، انتخاب نموده در یک‌جا فراهم آورد (ص ۴ نسخه)». «نه دریافته باشم».

۶. به‌صورت جمع آوردن کلمات معدود پس از اعداد: بیست و چهار حروف

۷. کاربرد فعل ترک دادن به‌جای ترک کردن: «... در تلفظ ثقیل دانستند ترک دادند».

۸. آوردن فعل مستعمل نشدن به‌جای استفاده نشدن: «در کلام عرب ثقیل است بحرف دیگر مستعمل نشود».

۹. آوردن ب التزام بر سر افعال به‌صورت جدا: «سراسر به بندید دست هوا / هوا را مدارید فرمانروا»

ای بارخدای گیتی آرای / بر بنده پیر خود به بخشای / تاختن مرا به بین ...

۱۰. چسباندن ب قسم به مقسوم: «بخدا و بسراپای تو کز دوستیت ...»

۱۱. چسبانیدن ب حرف اضافه به متمم در تمامی موارد: «و مقدار من بمتصدیان سرکار میفرستد/ بمعنی سبب و

توسل آید / یعنی بدرگاه پاک و بزرگی / بابر و باد وغیره و ... / بفتح ظاهر خوانند».

۱۲. چسباندن ای حرف ندا به منادا در برخی موارد: «با من سرکشی مکن ایصاحب زور/ ایدوستکام خواجه دنیا کژ اعتقاد».

۱۳. چسبانیدن واژه‌های اشاره آن و این به کلمه بعد از خود: «اینحرف را در فارسی از دال بدین ... برینقیاس روش یک را

از اینجهت که این واو بعد از خاء مفتوحه نویسند ...

جزء آنچه ندارد ...

۱۴. آوردن بنابران به جای بنابراین در تمامی موارد: «بنابران به ضوابط عظیمیه موسوم گشت (از مقدمه نسخه)».

چسباندن واژگان بدان و بدین به کلمات پس از خود: «بدانجهت که از ان تجاوز نموده بحرف دیگر متکلم میشوند».

۱۵. چسباندن را نشانه مفعولی به مفعول: «دو کننده یکرا».

۱۶. آوردن واژه بلک به جای بلکه در تمامی موارد: «نیست بلک بوی ضمه دارد و دلیل بر فتحه این خاء».

۱۷. آوردن یت بر سر اسم در جایگاه قید: «حاصل آن نفی آن خبریت (مضاف مضاف‌الیه) می‌شود».

۱۸. آوردن کلمه عربیان به جای جمع مکسر اعراب: «این اضافت را عربیان اضافت من گویند...».

۱۹. آوردن شکل عربی صفات تفضیلی به جای شکل فارسی آن: اصح به جای صحیح‌ترین: «فاما مطابق روزمره ایران اصح آنست که مهمله خوانند (ص ۳۰ نسخه)».

۴. مختصات ادبی

از آنجاکه این متن یک متن ادبی نیست و تعلیمی و آموزشی است، به لحاظ کاربرد آرایه‌های ادبی چندان محمل توجه نیست، بلکه فقط در جای جای اثر برای ابراز شواهد مثال از ابیات بسیار شاعران بهره برده است.

۱. برخی از جملات را در میان متن بی‌مناسبت به عربی آورده است: «الهدهد الذی یرفع رأسه، الفرد من الرجال، الابل الوارو علی السماء (ص ۵۴ نسخه)».

در تصویر شماره ۱ که از کتیبه‌های فارسی در هند است می‌توان بخشی از این مختصات ادبی را مشاهده کرد.



تصویر ۱: کتیبه فارسی در مسجد جامع دهلی. یا مسجد جهان‌نما. دوره گورکانیان هند. قرن یازدهم هجری قمری. (۱۰۶۶ ه.ق.)
در کتیبه فوق نیز کاربرد اصطلاحات عربی دیده می‌شود. متن کتیبه این گونه است: «مظهر قدرت الهی، مورد کرامت نامتنه‌ای، مظهر کلمه الهه العلیا، مروج المله، الحنیفه البیضاء، ملجأ الملوک و السلاطین، خلیفه الله فی الارضین، الخاقان الاعدل الاعظم و القآن الاجل الاکرم...».

۲. همچنین شماره اعدادی که قاعده‌ای را ذکر می‌کنند تماماً عربی است: «قاعده تاسعه، قاعده ثامنه، قاعده سابعه (در جای جای نسخه)».



تصویر ۲: کتیبه فارسی در مسجد جامع دهلی یا مسجد جهان‌نما. دوره گورکانیان هند. قرن یازدهم هجری قمری. (۱۰۶۶ ه.ق.)

در این کتیبه آمده است که: «بفرمان شاهنشاه جهان، پادشاه زمین و زمان، کیهان خدیو کشورستان، گیتی گردون توان، مؤسس قوانین عدل و سیاست، مشید ارکان ملک و دولت، بسیاریان عالی‌فطرت، قضا فرمان قدر قدرت، فرخنده

رأی خجسته منظر، فرخ طالع بلند اختر، آسمان حشمت انجم سپاه، خورشوی عظمت فلک بارگاه». بنابراین در این کتیبه فارسی می‌توان کاربرد فراوان آرایه‌های ادبی را مشاهده کرد.

۳. در این کتاب به مناسبت معرفی هر قاعده، شعر یا اشعاری از شاعران بزرگ پارسی‌گو و بندرت از شاعران هندی آورده شده است و نویسنده در حین شرح قاعده به شرح بیت یا ابیات نیز می‌پردازد:

از فردوسی: هجیر دلاور میان را بیست / بر باره تیز تک برنشست (ص ۲۹ نسخه)

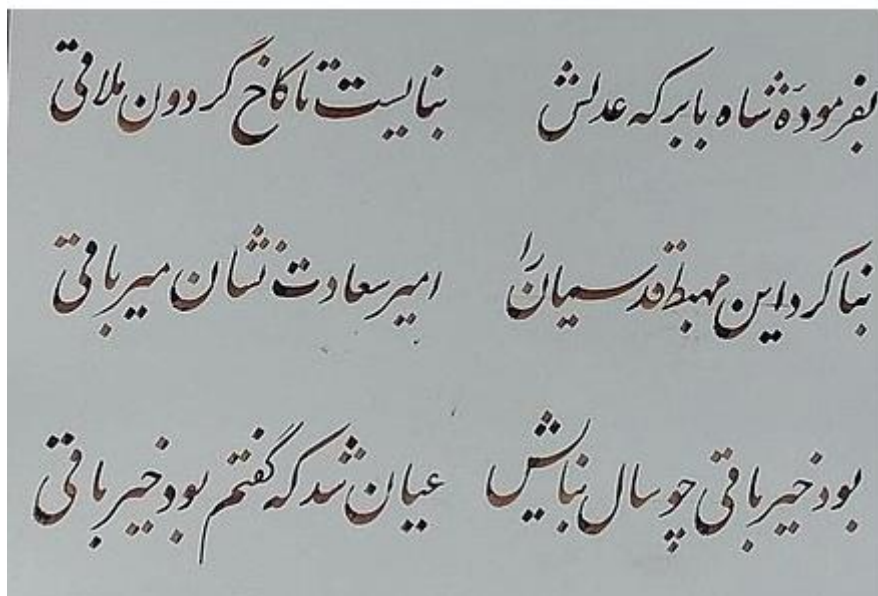
از سنایی: دایه او را بود که مادر نیست / مایه او جز اب و ادر نیست (ص ۳۰ نسخه)

از سعدی، حافظ، نظامی، نزاری، خاقانی، رودکی، عرفی، فرخی، انوری، امیر خسرو، زلالی، فیضی، جامی، سوزنی، مولانا و ... شعر آورده است. تضمین از سعدی و نظامی و خواجه و فردوسی بیشتر به چشم می‌خورد.

۴. از دیگر ویژگی‌های این متن آوردن عدد حروف ابجد در کلمات و حروف و توجه به علم‌الاعداد است: «به حساب جمل چهار عدد، به حساب جمل هفتصد عدد (در جای جای نسخه)».

۵. تنها در دیباچه کتاب چند مورد آرایه تشبیه بلیغ مستعمل شعرای پیشین مثل کلک صنع و کتم عدم و تیه ضلال و اطناب دیده می‌شود و نیز سجع: «خصوصاً دانای رموز نهانی و مجموعه خوبی و قدردانی، میر محمد حسین همدانی (از دیباچه کتاب)».

تصویر شماره ۳ از دیگر نمونه کتیبه‌های فارسی در بناهای تاریخی هند است که از زبان شعری استفاده کرده است.



تصویر ۳: کتیبه شعر فارسی در سردر بنای مسجد بابری. ۹۲۳ ه.ق. در ایالت اوتارپرادش. دوره گورکانیان

در این کتیبه فارسی از زبان شعر استفاده شده است و شاعر در این شعر از تشبیه و استعاره استفاده کرده است.

۵. سطح فکری و بن‌مایه‌ها

موضوعات و مفاهیمی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده عبارت‌اند از: الفبای فارسی، نحو و دستور زبان و متعلقات این فن اعم از حروف اضافه، وندها، حروف وابسته، اضافه و ... همچنین در این کتاب به اشعار شاعران پارسی‌زبان ارجاعات فراوان داده شده است. اشعار گذشتگان از دیدگاه کاربرد واژه‌ای خاص یا نکته شاذی در دستور زبان یا عروض و یا بلاغت یادآوری شده‌اند، و آوردن نام این حجم از شاعران و استفاده از آثار آنان در وهله اول مطالعه وسیع نگارنده و سپس احاطه وی را به علوم و فنون بلاغت و صنایع فارسی نشان می‌دهد. در مورد علم عروض و قافیه این دایره‌المعارف بسیار غنی به نظر می‌رسد، زوایا و نکات این فن با تفصیل بسیار زیاد و حتی با دایره و نمودار در این کتاب آورده شده است و نظر به تعلیمی بودن این کتاب، جزوه کاملی را برای طالبان آموزش این فن فراهم آورده است؛ به‌عنوان مثال آوردن زحافات و اشکال بسیار مهجور عروض و قافیه از ویژگی‌های این کتاب است. نکته قابل توجه دیگر استفاده و اعتقاد نگارنده به علم‌الاعداد و استفاده و توضیح حروف ابجد است که به نظر می‌رسد از مفاهیم مورد توجه عبدالعظیم قریشی است و در کنار علم‌الاعداد که بگونه‌ای به علوم غریبه مربوط می‌شوند، نگارنده در میانه و انتهای کتاب فصولی را نیز به خواص مواد، اشکال کیهانی و سیارات و طبقه‌بندی عوالم اختصاص داده است که این قسمت‌ها بی‌شبهت با متون کیمیاوی و فلسفی نیستند.

نتیجه‌گیری

«ضوابط عظیمیه» به سال ۱۱۳۰ (قرن دوازدهم ه.ق)، در فن لغت و بلاغت و دستور زبان، به دست محمدعظیم قریشی تألیف شده است. موضوع این اثر «زبان پارسی در منطقه شبه‌قاره» است. این اثر مجموعه‌ای از فرهنگ لغات عصر، اصطلاحات ادبی و نقد است و گوشه‌هایی خاص از علم لغت‌شناسی و کلمه‌شناسی پارسی و ارتباطات فرهنگی ایرانیان و هندیان در عصر گورکانیان هند را برای مخاطب آشکار می‌کند و یکی از علل اهمیت آن در این مطلب است که این کتاب به زبان پارسی و در زمانی نگاشته شده که زبان رسمی و دیوانی هند پارسی بوده است. با بررسی و تصحیح این اثر می‌توان به این نتیجه رسید که زبان پارسی و گسترش و آموزش آن در دوره حکومت گورکانیان در هندوستان دغدغه ادیبان و لغویون محسوب می‌شده است و نگارش این کتاب و کتب مشابه و تهیه نسخه‌های خطی بعدی از روی آن ضرورت این تعلیم و گسترش را به اثبات می‌رساند.

دیباجه این کتاب به نثر فنی آمیخته به شعر نگاشته شده است و مؤلف پس از حمد پروردگار به نعت رسول (ص) پرداخته و سپس به شیوه یک کتاب تعلیمی از مقدمات کار یعنی تعداد حروف الفبای پارسی آغاز می‌کند و سپس به مباحث دستور زبان، انواع حروف و کلمات، معانی آن‌ها، عروض و قافیه، بحور و اوزان شعری، بلاغت و صنایع ادبی، خط و کاغذشناسی، قواعد علم منطق و نجوم می‌پردازد. در این مقاله ما به لحاظ سبک‌شناسی سه بحث آوایی و واژگانی، نحوی و ادبی متن نسخه خطی ضوابط عظیمیه را بررسی کرده‌ایم. از لحاظ شاخصه‌های آوایی و واژگانی در این متن به موارد سبک‌ساز پربسامدتری برخورد کرده‌ایم، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در سطح آوا و

واژگان آوردن کلمات به شکل و کاربردی خاص از شگردهای این مؤلف بوده است. آواها و واژگان ترکیبی از کاربردهای رایج و بندرت شاذ در زبان فارسی دری، عربی و سپس اردو و هندی هستند. نگارش آواها و کلمات به صورت مرسوم آن دوره بوده و با شکل امروزی نوشتار فارسی گاهی متفاوت است. همچنین به نظر می‌رسد که کاتب راحتی و سهولت نوشتار را مدنظر داشته و در بسیاری از مواضع شکل یا آوای نزدیک‌تر به گوش یا چشم یا شکلی را که همان زمان به ذهن وی راه یافته مرقوم ساخته است. درباره خصوصیات نحوی نیز باید گفت که چون کتاب متعلق به حدود سه قرن پیش است، مقایسه نحوه آن با شیوه و دستور امروزی کمی دشوار است؛ گو اینکه چون کتاب تعلیمی است تا حد امکان سهولت فهم در آن رعایت شده است. این متن از برخی ویژگی‌های نحوی عربی نیز بهره برده است که در زبان فارسی امروز کاربرد کمتر و مختصرتری دارند. آرایه‌های ادبی در این متن سبک و کم‌تکرار بوده‌اند و در عوض آوردن شعر و مثل پربسامد و فراوان است. آوردن حروف ابجد و توجه به علم‌الاعداد نیز از ویژگی‌های برجسته این کتاب به‌شمار می‌رود.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- فضلی، عبدالهادی. (۱۴۱۶). اصول تحقیق التراث. بیروت: ام‌القراء.
- مایلهروی، نجیب. (۱۳۸۰). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- العش، یوسف. (۱۹۵۴). تحقیق النصوص و نشرها. قاهره: دارالکتب العربی.
- جهانبخش، جويا. (۱۳۸۴). راهنمای تصحیح متون. چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ثروت، منصور. (۱۳۷۹). روش تصحیح انتقادی متون. تهران: پایا.
- بینش، تقی. (۱۳۵۴). روش تصحیح متون فارسی. تبریز: نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.
- محقق، مهدی. (۱۳۶۹). روش تصحیح و نشر متون. مجموعه مقالات انجمن مسائل ایرانشناسی به کوشش علی موسوی گرمارودی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- خدیوجم، حسین. (۱۳۵۵). روش تصحیح نسخه‌های خطی. تهران: آبان.
- مایلهروی، نجیب. (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- منزوی، احمد. (۱۳۷۰ش/۱۹۹۲م). فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان. ج سیزدهم. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۳). نکته‌هایی در باب تصحیح متون. تهران: نشر دانشگاهی.

نسخ

- نسخه خطی مرکز میکروفیلم نور، کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی نو.
- دو نسخه در پاکستان، کراچی، مجموعه همدرد و اسلام‌آباد، مجموعه گنج‌بخش با شماره ۷۸۷۲.